

آخرین دفاع

دو نفر از سازمان مجاهدین خلق

در

دادگاه نظامی

بهام زندانیان سیاسی بهارزمن خارج از کشور :

" بهام ما بخارج : مقاومت - درودها و سلامهای گرم ما
به تمام کسانی که از ما پشتیبانی کردند . "

مقدمه

جزوه حاضر بخشی از د فاعیات دو مبارز انقلابی محمد بازرگانی و سمود رجسوی است که علیرغم همه سانسورها و تضییقات رژیم در اختیار کنگد راسیون جهانی قرار گرفته است. گفتار این مبارزان دلیر در محکمه ساختگی ساواک بار دیگر آن نکته درس آموزی را که ما همواره به تلمیذ آن میگوئیم باز هم روشنتر نمایان ساخت. ترور فاشیستی رژیم شاه و قتلش با تعداوم رود روشیهای مبارزان انقلابی بصورت اعدا امهای بی دریغ نتوانست خللی به این محتوی آشتی ناپذیری و مقاومت و ناپذیر کردن دشمن وارد سازد.

بازرگانی و رجسوی در سرتاسر محاکمات همچون دیگر مبارزان دلیر هم تجزیر خود این محتوی عالی را که دستاورد مبارزات خوضن خلق ماست تا پای چوبه های اعدا ام محفوظ داشتند. برخورد این عناصر مجاهد بد رجفای از آشتی ناپذیری و زبون کردن دشمن رسید ماست که در ادگاههای ساختگی رژیم بار دیگر همانند گذشته به صحنه محاکمه رژیم شاه بدل گشته است. سالهاست که ارتجاع فاشیستی در میهن ما به سرکوب مبارزان اشتغال دارد.

د فاعیات پاکیزه و بازرگانی و رجسوی و دیگران نشاندهنده شکست رژیم در مرعوب ساختن این دلیران معتقد به پیروزی مردم است.

زمانیکه شاه گروه گروه از مبارزان را بخاطر حفظ سلطه امپریالیسم و تاج و تخت خود بچوبه های میدان تیر می بندد و گلوله های نظامیان شاه در سراسر خاک میهن ما طنین افکند و است و دفاع و لاورانه این مبارزان صدای گلوله هارا تحت الشعاع قرار داده و جوابگوی رژی از مقابل مردم با این جنایات است. این جوابگویی صریح مبارزان و پشتیبانی بیگیر و حشر ضعیف در آکسیونهای دفاعی رژیم را با همه قدرت نظامی و روشهای فاشیستی هراسان و زبون میکند تا جائیکه بخاطر آلود کردن مبارزان دست بدامن اتهام زنی میشود تا ضعف خود را در مرعوب کردن مبارزان سرپوش گزارد. رژیم فاشیستی شاه که تحت فشار شد بد افکار عمومی جهان، فعالیتهای دفاعی و کوششهاییکه برای نجات جان مبارزان در بند و خصوصاً سمود رجسوی در سولیس انجام گرفته بود موفق به اعدا ام وی نشد. و حال با همه قدرت میخواست نام این مبارز انقلابی را ملوث بخیانت سازد. برای سرپوش گذاشتن بعقب نشینی خود در برابر افکار عمومی با چشم ساختن او به همکاری با ساواک بتوجیه عمل خود (یکد رجح تخفیف از اعدا ام بحیس ابد) میپرد از. کنگد راسیون جهانی هرگز تحقیقات کافی اطلاع یافت که این مبارز انقلابی کماکان بمقاومت دلیرانه خود همانند همه مبارزان در بند ادامه میدهد. در روغ ننگین و رسوا شده ساواک بهترین دلیل بضعف این سازمان جهانی ضد انسانیت، مطالب جزوه حاضر نه تنها درکی استبر پاکبازی این مبارزان در برابر خلق بلکه سنسد ارزنده و دیگرستان زهور و آشتی ناپذیری شان در مقابل دشمن و گویای ضعف رسوای مترسک سازمان ۳ ضیت در مرعوب ساختن مبارزان دلیر خلق.

کنگد راسیون جهانی وظیفه خود دانست که انتشار این د فاعیات دست زده رژیم شاه را افشا کرده و چگونگی ادگاههای شاه را بهنگان بنمایاند.

لوح افتخار

۱- آیتاله سعیدی
از سازمان چریکهای فدائی خلق

- ۲- مهیند حسن نیک د اودی ۳- محمد رحیم سماهی ۴- مهدی اسحاقی ۵- علی اکبر صفائی فراهانی ۶- عباس دانش بهزادی ۷- احمد فرهودی ۸- جلیل انفرادی ۹- هادی بنده مهد البکرودی ۱۰- محمد هادی فاضلی ۱۱- سیف دلایل صفائی ۱۲- محمد نبیری ۱۳- شماع اله شیدی ۱۴- اسکندر رحیمی ۱۵- اسماعیل معینی عراقی ۱۶- ضفر رحمن پور اصل ۱۷- محمد علی محدث قدوسی ۱۸- جواد سلاهی ۱۹- امیر پرویز پویان ۲۰- رحمتاله پسیرو ندیری ۲۱- اسکندر صادقی نژاد ۲۲- کاظم سلاهی ۲۳- خرم آبادی ۲۴- جنگیز قبادی ۲۵- سید نوزادی ۲۶- سالی ۲۷- خانم مهرنوش ابراهیمی ۲۸- ضوچهر بیبائی ۲۹- عبدالحسین براتی ۳۰- سلمان نژاد ۳۱- سپهری ۳۲- محمود احمدزاده ۳۳- مجید احمدزاده ۳۴- عباس مفتاحی ۳۵- اسد الله مفتاحی ۳۸- حمید توگی ۳۹- عبد الکریم حاجیان سمله ۴۰- حمید سوالونی ۴۱- سعید آریان ۴۲- فلا مریضا گوی ۴۳- بهمن آژنگ ۴۴- بهروز دهقانی ۴۵- شاف ظکی تبریزی ۴۶- محمد تقی زاده چرفی ۴۷- اصغر عرب هریسی ۴۸- حسن سرکاری ۴۹- اکبر موله ۵۰- علی رضا نایدل ۵۱- گلینقی آرش ۵۲- حسین امین نیا ۵۳- جعفر اردبیلچی .
- از گروه مجاهدین خلق
- ۵۴- احمد رضائی ۵۵- علی باکری ۵۶- ناصر صادقی ۵۷- محمد بازرگانسی ۵۸- علی مهین دوست ۵۹- سعید محسن ۶۰- محمد حنیف نژاد ۶۱- بدیع زادگان ۶۲- مشکین قام ۶۳- مسکری زاده ۶۴- حبیب رهبری ۶۵- علی اصغر منتظری حقیقی .
- از گروه آرمغان خلق
- ۶۶- همایون کنیرائی ۶۷- بهرام طاهرزاده ۶۸- هوشنگ ترگل ۶۹- ناصر مدنی ۷۰- ناصر کریمی ۷۱- حسین کریمی . شهید ایدانشگاه شیراز
- ۷۲- مرتضی شفیعیهها ۷۳- حسین محمودیان ۷۴- محمد رضا احمدی .
- ... و دهها شهید دیگر که از نام و مشخصات آنان تاکنون اطلاعی در دست نیست به عنوان نمونه باید از کارگران قهرمان کارخانه "جهان جیت" که بضرر گلوله‌های دوخیمان شاه شریعت شهادت نوشیدند یاد کرد و همچنین مبارزین دلیری که در زیر سخت‌ترین شکنجه‌های مائوئیست ساواک مقاومت کرده و محبس‌های این وطویل‌مدت محکوم شده‌اند .

آخرین دفع مسعود رجوی

این در ادگه انصب یا فریالقب آخرین شبرماست . اگر اهدام نشویم لاقبل به حبس ابد محکوم خواهیم شد . رفتای من بعلت قلت وقت در فاعی ماکه فقط نیهامعت است بعد از من در نهاله من در فاعیه راد روارد سیاسی و اقتصادی ، کشاورزی و تاربخچه سازمان و تضییقات راجع به انقلاب چون ادا مه خواهند داد . مسلماً این اطلاعات کافی نخواهد بود چون وقت ما اجساره بیشتر از این رانمیدهد . در این در فاعیه بعلت معظورات زمانی و مکانی (ناآنجا شیکه شرافتخان اجازه میدهد) حتی المقدور از بردن اساسی و در کتواربخ خود داری خواهیم کرد . محسد عسگری زاده ، مهندس سبهمین بازرگانی و مهندس سطلی باکری بعد از من هم مجیزهارا میگویند . سئلله اساسی سیاست خارجی ماست . به عامل بد بختی اشاره شد . عامل بد بختی من و شماء بد بختی همه خلق امیرالایسم بین المللی است . عروسکهای من در این دور و آنور نیاسرکارند که اگر بخود شان بودند یک لحظه روی پایشان بند نبودند . کاشوکی ، ملک حسین ، ملک فیصل . بندد یک لحظه هم اسم رژیم را نمیآورد . این روزهایک فریب بزرگ بخاطر حفظ تجارز عمومی علیه ناموس کلمات وجود دارد . کلماتی از قبیل تساری ، صلح و سازش ، کک کشورهای بزرگ به کوچک ، کلماتی از قبیل صلح بین المللی ، تفاهم و سازش متقابل کشورها و کک کشورهای مقهوره ضد به ضعیف که در نوشته های رسمی سازمان ملل آمد ، است وسیله ای برای حفظ نظم موجود که در واقع چیزی جز تجارز عمومی نیست شد ماست . نه صلح ، نه سازش و نه تفاهم هیچکده ابطر نیست . بیائید نه خود را بفریبیم و نه دیگران را . امروز در دنیا و جناح وجود دارد . در یک طرف صرومین ، گرسنگان ، آوارگان فلسطینی و مبارزین وجود دارند و در طرف دیگر افسنیاء صاحبان ناپاک فانقوم ، جاه نفت ، ماشینهای جنگی و کارخانجات عظیم . بین اینها هیچ رابطه و هیچ تفاهم مطرح نیست .

ما به اینکده در طرف اول قرار داریم افتخار میکنیم . ما بجرم خود افتخار میکنیم . ما با اینکه در دست در دست چریکها برای نابود کردن امیرالایسم و صهیونیسم مبارزه میکنیم افتخار میکنیم . بغیر از تبرید یا تسلیم رادد یگری وجود ندارد . یا نبرد است مثل فلسطین ، چین و ویتنا چرا اسارت

مثل خود مان . باید ند کرد همه که این تناقض مایوس کنند و نیست . انسان بد و ن گرفتاری
تصفیه نمیشود . روی سخنچه بد و مواد رفاهانی است که فرزند انشان اسیرند . این فلسفه هستیست
است . وجود آنها ازین خواهد رفت ولی صبح نزدیک است . باید تحمل کرد .
از آغاز سد و جد بد هشتصد میلیون چینی و سیصد میلیون شوروی آزاد شده اند . درخا و میانسه و
آمریکای لاتین غوغاست . امروز تهران بانک میزند ، سفیر ایالات متحده در آمریکا لائین
اهد همیشه ، اعتصابات کارگری اسپانیا راجح کرد ماست . نهایت در گریه ایجاد جامعه
جد بد است . مقاومت کنید . حق و انصاف را رعایت کنید . بخاطر آن درجه های آموزش حکم
غلط ند هید . امپریالیسم اشکال گوناگون در ارد . یکی از آنها سلطه سیاسی است یعنی پرچمزدن
و مستعمره کردن . طریق دیگر سلطه اقتصادی است این سیستم سررشته امور اقتصادی در
اختیار اجنبی قرار میگیرد . زینهار در رومنا مؤثر است . این روشهای سیاسی تحت تأثیر پهنای اقتصاد
است . نمیشود منافع نفت یک کشور را تاراج کنند ولی انسان حرف نزند . انسان وقتی چیزی
نداشته باشد با جنگ و ناخن و دندان حساب طرف را میرسد . پس باید مردم را فریب داد .
باید مردم همراه اشکال مختلف ساکت کرد . ورزش بازی ، کاخ بازی ، کاباره بازی و اگر نشد با ساوا
و تیرباران و از این قبیل . امروزه استان و ما هر دو به "حق" استناد میکنیم . آقای ادستان
میگویند صادره بانک و سرقت برخلاف قرآن است . می پرسیم که اقرآن ؟ قرآن را عوض کرد ماند
چون منافی منافعتشان بود و نمیتوانستند آنرا ازین بهرند عوض کردند . در قرآن آمد که هر کس
تا آنجائی مالک شیئی است که خود برای آن زحمت کشید میباشد . این چیزی است که مارکسیسم
و سوسیالیسم انقلابی هم میگوید و ما تا آنجا مخالفی ند آریم . حال به عقب برگردیم و مگر
کارمان را ببینیم . ببینیم تاریخ چه میگوید . تاریخ استقرار سلطه خارجی در ایران از بی کفایتی
اولیای امور شروع شد ماست . در قرن گذشته روس و انگلیس آمدند و ایران را تقسیم کردند .
از رجال طرف اردو بودند و بعد های طرف ارانگلیس . یک قرضه بانک روس منتشر میگرد و یک قرضه
بانک انگلیس . در ۱۹۰۷ که این قرارداد ننگین بسته شد ایران بد قسمت تقسیم شد . بعد

از انقلاب کبیر تمام امتیازات استعماری تزارها از زمین رفت . دولت شوروی بانک و پولها را تفویض کرد و رفت . تنها انگلیسها ماندند . با انقلاب سوسیالیستی خطربرداشتن اختلافات طبقاتی احساس شد و انگلیس ایران را پایگاهی علیه اولین دولت شوراها قرار داد و آنرا از لحاظ استراتژیک مقلد مهربند شمرد . همزمان با اولین استخراجات نفت ایران ، کودنای سوم امفند را ترتیب دادند . نفت ایران بقدری برای انگلیس حیاتی بود که بایسته شدن کانال سوئز لیره انگلیس سقوط کرد . بقول مصدق فقید طرحی کمانگستان اجرا کرد خیلی ماهرانه بود . اولاً تشکیل ایران واحد بود . یعنی با سرکوب قدرتهای محلی مانند شیخ خزئل و جنگلی که تجربه تاریخی گرانبهای برای ملت ایران است و تصفیه اسماعیل آقا در آذربایجان ، اساس یک حکومت مقتدر ریخته شد . حکومت مقتدری برای حفظ سلطه انگلیس . حکومتی که فایده آن برای دولت انگلیس بعد از جنایت شهریور ۱۳۲۰ روشن شد . بعد از سرکوبهای لازم ، بعد از تبعیدیل مجلس به یک ایزاری اراد بویا جاد ثبات لازماً بالاخره در سال ۱۳۲۲ مسئله اصلی یعنی نفت مطرح شد و قرار داد ۱۹۳۳ بسته شد . مثل پارسل اول تبلیغات و میتینگ بود بعد امضای آقای بقای زاده پای قرار داد ننگینی که توسط دکتر مصدق لغو شد . این قرار داد در وهله اصلی داشت . اولاد ت قرار داد تعدید شد یعنی به قرار داد درسی که ۶۰ سال بود ۳۰ سال اضافه شد ثانیاً با توجه به مسئله استقلال طلبی عراق که ممکن بود باعث بالا گرفتن جنبش مردم شود طبق همین قرارداد اگر وضع عراق عوض میشد منافع انگلیس ثابت میماند . از این سالها میگذریم . در شهریور ۱۳۲۰ تمام ایران زیر سلطه خارجی رفت . بعضی از افسرها با چادر رفتند و ایران فقط ۳ ساعت در آمد آورد . جنگ در وهنوز تمام نشده بود که طرح تجزیه ایران دوباره توسط انگلیس و آمریکا ریخته شد و دولت شوروی آنزمان بسرعت طرح را رد کرد . این قرار داد توسط دولت حکیمی بسته شد و آیا وقتیکه پنجمه وزیر ایران طرح تجزیه کشور خود را بریزد ماحق نداری بگوئیم که تابع طست و خلق ایران هستیم چنه دولت ایران ؟ این طرح با مجاهدات طاقت فرسای دکتر مصدق رد شد . تا آنکه خود ترد رفتار نباشد نمیفهمد فشار یعنی چه ، تهدید یعنی چه . وقتی این طرح رد شد

معاون وزارت خارجه شوروی، مورد امتیازات نفت گفتگوهای بعمل آورد. چون دولت شوروی جوان بود و از دولت انگلیس وحشت داشت و از طرفی دولت انگلیس بخاطر امتیازات نفت خود در جنوب حاضر به معاملاتی در باره نفت باکو و قفقاز بود میرای همین نخست وزیر وقت ساعد (که) به سفیر روس و ده هائی داد بود ولی ملین بیکار نشستند و با کوششی زیاد مانده گرانند که ضمن آن جلوی سلطه شوروی گرفته شد و او را هرگونه امتیاز بهر نحوی مسکوت گذاشته شد و به موافقت بعدی مجلس موکول شد. با اینهمه امیرالایم از جانب ملت فقیر دست برنداشته و در سال ۱۳۲۹ بزمآرا را از ستاد ارتش به کرسی نخست وزیر نشانید. بزمآرا در لباس ظاهر فریب خود مختاری و ولایت را مورد اخلی این لایحه رایج مجلس برد. وظیفه دیگر این خسون آشنا مین بود که لایحه مربوط به نفت را بمجلس ۱۶ برساند. باز هم ملین که رهبری آنها را در کمرصدق بعهد داشت پس از مشاجرات و محاحات و زحمت های زیاد توانستند آنرا در رنطفه خفه کنند و جلوی سلطه خارجی را بگیرند. قرارداد منتهی شد و چندی بعد سپهبد رزم آرایسه انتقا چازی کردن را سرنوشت يك ملت به قتل رسید.

برگردیم به نفت

اوضاع داخلی مملکت بعلمت رشد سیاسی مردم و تاب بگریه داشت. بعد از شهریور ۲۰ صدق نفت را نه بد بیک شعاروانگیزه ملی کرد. صفوف مردم را تشنگ و شعله ها را فروزانتر کرد. بعد از مجلس ۱۵ نمایندگان واقعاً مجاهدت کردند. شرکت غاصبیت ایران و انگلیس که در واقع نمایند دولت انگلیس بود از تنظیم نمایندگان گرفته تا حبس آزاد بخوانان از هیچ چیز فرونگه ارتکرد. حتی طرح آنچه که امروز "اصلاحات ارضی" است در آن زمان بوسیله تقسیم ملاک سلطنتی ریخته شد. مسئله ظاهر فریب تقسیم ملاک سلطنتی برای فراموش کردن مسئله نفت از ازان طرح شده بود. با اینهمه نفت همچنان در مرکز افکار مردم چوید. نان در تهران قحط شد. سرانجام اراده خلق راه خود را پیش برد و در ۱۳۲۹ نفت ملی شد.

آنروز طمعی روزی مردم هچشید شد. بعد از آن روزهای پرافتخار بگریه رهش بود. پیروزی

انگلیس در مورد نفت و دیگر روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ روز تجلی اراده خلی . در آن روز خلق برنشگر تسلیم پذیر شد . البته در راتیه از این روزهای طلائی بسیار خواهیم داشت . باید گفت کسسه مشروطه برای مدت محدودی و آورده در ۲۸ که سال و ماه آنرا نمیگویم مشروطیت به خاک سپرده شد . شکست نهضت بحکم تاریخ ضرورت داشت . احتیاجی نیست که من سیاست دولت صدق را روشن کنم او نمیخواست هیچ سلطه بر کشور ما برقرار باشد . از نظر اقتصاد اولین و آخرین بود چه تعداد را به مجلس تقدیم کرد . برای اولین بار صدارت با واردات برابری میکرد . بهر حال آنروز گرفتارستان به میاهای وسوسه میداد .

وضع سیاست خارجی تهدید شکل داد . از ابتدا ای قرن اخیر بعلمت ناپسما نانی وضع اقتصاد و مبارزات ایدئولوژیک مخصوصاً "انقلاب کبیر" آگاهی سیاسی مردم جهان بالا رفت . در جنگ تجاوزکارانه که صرفاً بخاطر منافع استعمار بود در این امر کمزور نیازی کرد . در این جنگها کرد و امپریالیسم قدرتش کشته شد انگلیس و فرانسه . الجزایر پرویت ناآزاد شدند . در دستمرا هر روز جنبشی تازه در میگرفت و ضرب المثلهای "آفتاب هرگز در انگلستان غروب نمیکند" و "هرجا موجی باشد ساحلش انگلستان است" ازین رفت . بقول یک انقلابی بعد از جنگ آنچه بساقتی میماند در مجموع و بطور کلی بفتح نیروهای خنثی است . خود جنگ افریقا بیشتر از جنگ هراس

دارند . علت بکار نبرد نترس از تلفات نیست ، چیزی دیگر است .

در پایان جنگ امپریالیسم ناجوانمرد دیگری بروز کرد و قدم در راه انگلیس گذاشت . این کشور استعمار طلب ایالات متحد و آمریکا بود که اکنون در رویتنا جبرای کاتوکی سینه میزند و در ممالک دیگر پشتیبان ارتجاع است . در ایران (بمن میگویند راجعه آمریکا نگر - همین مناقضات کمین رجالی است نشانه ریاست) کار رجائی کشید که آمریکا طلب سهم خود را میکرد . اشتباه دولت وقت (صدق) عدم توجه به اهمیت امپریالیسم آمریکا بود ؛ آمریکا تا سپهت عثمان سعودی را بخود تن اختصاص داد بود و در مورد ایران هم نقشه مشابهی داشت . این بود که مسائل بسان روز کشید که نباید بکشد . ابتدا اشوارتسکف آمد ایران و بعد شاهزاده خانم ایرانی . . . زاهدی

وگسرسوم - ۵۰ پرتقه را صاحب میشد. تأسیسات خطی که از قصر شیرین شروع می‌شد به بلوچستان ختم می‌شود به ایران تعلق گرفت. در مقابل وظایف بجهت هدایت ایران گذاشته شد. اولاً - انجام خدمات فرعی فیروا بسته به نفت (ساختن بیمارستان، نانوائی، پرداخت بیمه کارگران) و مخارج دیگری که قبلاً به عهد شرکت نفت سابق بود. ثانیاً - پختن نفت در ایران که همیشه به ضرر شرکت نفت تمام شده است. ثالثاً - ادراغفت شاه. تا بحال استعمار انگلیس در کارسود و حالاً برادریزگرش آمریکا وارد میشد و در کارشان فرانسه و هلند که همه در نتیجه‌ی علیه منافع این مملکت اقدام کنند. در مورد سهم ایران که یک هشتم یعنی ۱۷٪ وازد مونیوم، صد قیمت اعلام شده بود طبق قانون ۵۰-۵۰ آنرا در ۵۰٪ سود گنجانده یعنی سهم مالیات ۳۷/۵ درصد میشد و این ترتیب کلاً بزرگی برسر ملت ایران گذاشتند. مہمتر از همه قیمت اعلام شده نفت ۱۲/۱۲ دلار بود که سهم ایران برابر با ۱/۷۹ دلار حساب میکردند بعد از افزایش تیلیمانیسی نفت تا سهم ایران شد ۱۲/۵۰ یعنی رسیدیم به قبل از سال ۳۱. علاوه بر اینها قرار شد که ۱۲٪ بهره مالکانه و ۶/۵٪ تخفیف قانونی نسبت به قیمت نفت ایران تعلق بگیرد که ۶/۵٪ را در آمد. بعد از سقوط لیره انگلیس چند میلیون دلار بابت سهم نفت خود ضرر کرد بی‌کس نمیدانند که بالاخره ادراغته رسیدگی به دفترها را معلوم نیست چه کسی انجام داد است. ما چه میدانیم که کارشناسان و مستشاران چقدر حقوق میگیرند چون موضوعه کیفرخواست مربوط نیست. وقتی صبح روزی آمد گامبه آمد خبر محاکمه را میدهند اینطوری میشود. ورقه هاناید پیدا میشوند.

اکنون نفت ایران با سرعت بیشتر بفارت میرود. میخواهند قبل از پایان قرارداد ثروت خلق را به تاراج بدهند. در خاطر نفت ایران در سال ۱۹۸۲ به پایان خواهد رسید. کل تولید نفت ایران ۲۲۷ میلیون تن است حساب کنید به هر کس چقدر میرسد. کل درآمد از هرتن نفت ایران برای ایران ۱/۳ دلار از ۱۰ دلار بود است. همین نفت در بازار اروپا ۱۴ دلار فروش میرسد اگر مخارج نفت را برای هرتن ۱ دلار بگیریم یک میلیارد و هشتصد و بیست و پنج میلیون دلار یعنی

۱۴/۴ میلیارد دلار تصویب میشود. آقای دادستان این ارقام را حساب کنید نه ارزی را که برای مسلسل های ما که اینهمه از آنها عکس گرفته اید خارج میشود. اشاره میکنم به جریان تپارسا ل نفت، چه جنگالی در باره پیروزی ایران در اوپک برپا شد. الان بعد از ثابت میکس که چمدست آمد ماست. قیمت نفت بطور کلی ۳۳ سنت در رهبرشکه افزایش یافت ماست و مالکیت سود ویژه از ۵۰٪ به ۵۰٪ افزایش یافت ماست. اولاً بر اثر جنگ وینام، بر اثر تورم که بصورت بصیروی مرد هیتنا بر ختم میشود تا به دست درصد افزایش برای تور پول پذیرفته شد ماست. در فاصله ده سال بین دو قیمت گذاری در لار ۲۷٪ کاهش یافت ماست. اگر میخواهند قیمت را ثابت نگه دارند باید قیمت بشکه را ۵۴ سنت اضافه میکردند. این سیر قهقراست نه ترقی لیبی سهم خود را از ۲/۰۸ دلار رسانده به ۳/۴۵ دلار. طبق آمار بین المللی تورم واقعی سالانه ۹٪ است در حالیکه روزنامه های ایران آنرا ۳/۵٪ گزارش میدهند (اطلاعات و کیهان). روی سخن ما به خبرنگاران نیست. ما میدانیم کار از جای دیگری خراب است. در لیبی دولت در رکبه مراحل تولید شرکت دارد. در ایران این مسئله هنوز حل نشده ماست. لیبی قرار داد ۵ ساله را به شرطی قبول کرد که کمپانیها پول را از کشور خارج نکنند و دوباره در لیبی سرمایه گذاری کنند. در ایران برعکس عمل میشود. با اینهمه اجحافات سهام ایران در بلیارد است ولی آنرا چطور خرج میکنند. یک مقدار شرکت نفت خرج میشود. دختر سنا توری را میشناسم که سرمایه از شرکت نفت پول میگیرد. یک مقدار به سازمان برنامه و مستشاران آن میرود. پروژه سازمان سد در کوه سازمان برنامه به آن مفتخر است باد ستگا ههای الکترونیک ساخته شده ماست و بکار می افتد و کار شناسان آن اغلب خارجی و با حقوق سرسام آوری مشغول بکار هستند. حتی وسائل تعمیر این ماشین ها در ایران موجود نیست. اگر یکی از این ستگاها از کار می افتد یا باید آنرا عوض کنند و یا بهرند خارج تعمیر کنند. نتیجه سد را که برق است سرمایه در این ستگا های هاشم نراقی با کمک خارجیها به مرد چپ فروشد و سودش را به جیب میزند.

در کرم صدق فقید بیاری مرد چپ را ندانند طرح ملی شدن نفت روی کار آمد. برای اجرای همین

قانون بود که مرد حکومت را به صدق سپردند و این تنها حکومت قانونی بود که در ایران موجود آمد.

رئیس پس از نیم ساعت تنفس: در آن گامه در فاجعه رجعت رفع آنها بگوش میکند.

..... از ۲۸ مردان و از کشتار بعد شریک رجعت از این جریانات دست چپا اول برآ غارت ملت ایران باز میشود. عواید نفت تا آخرین در لا صرف تهیه اسلحه و مهمات و حقوق مستشاران خارجی میشود. صد ها میلیون در لایه جیب شرکتهای خارجی میرود. آراضی در سازمان برنامه در سال ۱۳۳۹ در روزنامه اعلام کرد که صد ها میلیون در لایه عناوین مختلف حیف و میل شده است. و در هند بود که ایران با پول نفت بهشت میشود. ملت ایران فقیر و فقیرتر میشود. در جواب احتصاب کارگران کوره پزخانه ۲۰۰ نفر کشته شدند. در احتصابات معلمین در کرخانعلی کشته و در دیگری مجروح شدند. قانون مردم ارتقا در رجه یافتند. قاتل خانعلی به ریاست شهسوار یکی از شهرستانها منصوب شد. معلمین و کوره پزچیهها فقط اضافه حقوق میخواستند. وقتی رژیم جواب خواستههای قانونی مردم را اینطور میدهد آیا میشود ساکت نشست و دست به اسلحه نبرد؟

در سال ۱۳۳۶ قانون تشکیل ساواک از مجلس گذشت. ساواک مأمور حفظ امنیت و مبارزه با مخالفین شد. قبل از روی کار آمدن در کترامینی مجدداً اختناق بعدی بود که هر آن احتمال انفجار میرفت. در کترامینی در زمان عدارت خود گفت خزانه را برد فاند، چاپ فاند، سپهد کتیا، رئیس شهسوارانی: طوری عقد م و در کتراقبال قرار بود به محاکمه خوانده میشوند. در کتراقبال ۲۴ ساعت قبل از دستگیری کشور را ترک کرد و مراجع قضائی را در گسترده آنها م زد و شد. در کتراقبال برگشت و در بزرگترین مرتبه اقتصاد و کشور قرار گرفت. آنها همیزند و پس میگیرند. مثل اینکه کار مملکت حساب ندارد.

در کترامینی میآید و جبهه ملی و نهضت آزاد و مجلس ۱۹ و ۲۰ را پیش میکند. در کترامینیسی میرود و مجلس را میبندند. جبهه ملی کار میرود. دانشگاه خواستار کسب اجازه تشکیل اتحادیه صنفی میشود. خواستههای دانشجویان رد میشود. رئیس دانشگاه در کتر فرهاد استعفا

میدهد. د ولتها میآیند و میروند و سرنیزه برجا و استوار میمانند. برای مبارزه با این خفقان عمومی روحانیت که ۵۰ سال کتلر کشیده بود وارد صحنه شد. در قم شورش بیانشد. طلبه ها با کار به پایس حمله کردند و دفتر کشته شدند. تحرک همه گیر میشود. روحانی اعتراض می کند. بازاری اعتراض میکند. دانشجو اعتراض میکند. رنشیجه واقعه ۱۰ خرداد روی میدهد بعد از ۱۵ خرداد ۴۲. نظر نظیر حنیف نژاد و علی اصغر بدیع زادگان معتقد میشوند که با منطق و دلیل نمیتوان حق را گرفت. اینها به نهج البلاغه استناد میکردند که باید حق را گرفت روز ۱۶ آذر دانشجویان اعتصاب کردند. از این بیعد مرتب گروههایی با ایدئولوژی انقلاب مسلحانه بوجود میآیند. تصور ترور میشود. بیژن جزینی گروهی تشکیل میدهد. پاک نژاد گروه فلسطین را تشکیل میدهد. آنها چیزند که این گروهها با بختیاری ارتباط دارند. با بختیاری راجزوا این رژیمید انهم و اختلاف او را با رژیم قبول نداریم. از گروه طوفان ۴۰ نفر را میکشند. گروه آرمان خلق کشف میشود. در زندان قزل قلعه ناصر مدنی و ناصر کریمی و بهرام طاهرزاده اعدام میشوند.

بعد از اینها اواخر سال ۴۴ و در سال ۵۰ گروهی چریکی بنام "چریکهای فدائی خلق" که تحت عنوان "سپاهک" شناخته شدند وارد گود میشوند که فعالیتهای آنها هنوز ادامه دارد. نهضت "مجاهدین خلق" و "سازمان رهایی بخش خلق" که به عراق چسبانده شدند کشف میشوند. و در هپا گروه دیگری که انشاء اله کشف نشد ماند. اینها نشان میدهد که وضع طوری است که راه دیگری وجود ندارد و حرف یکطرفه و نفرینست. صد هاهمیند که مارک جهالت به آنها نمی چسبد. این را ماند. هیندس هوشمند ماهی ۱۶ هزار تومان حقوق میگرفت. پس مسئله شخصی نیست. در سال ۴۴ حد اکثر اعلامیه پخش میکردند و لسی امروز رسال ۵۰ سلسل بدست میگیرند. موج مبارزات خاموشی نگرفته بلکه شده بدتر هم شده باست. کشف یک گروه نباید باعث ناراحتی بشود. پیروزی ساده و زود بدست نمیآید. حضرت علی میگوید: "خداوند هیچگاه گردن نکشان ریزگار خود را نابود نمیکند. با آنها مهلت





از چپ بر راست (ردیف اول) ناصر صیقلی ، محمدرضا باقری، مسعود درودی ، علی محمدیان دوست ، منصور باقریان ، مهدی فیروزیان ، حسن راهی (ردیف دوم) محمد تقی شاهرام ، محمود احمدی ، سید علی باقری و محمود غروی متهمان گروه سوم .

میدهد که اگر برنگردند بیشتر فروروند و مرد پرامجری عدل الهی میکند". استخوان هیچ
 ملتی را پیوند نمیدهد مگر بعد از سختیها و گرفتاریها. خطبه آورد م گفتگویند اسلام را طبعیه
 دست خود قرار داد است. از ریختن خون یکگرفصد هانفر مثل اهری میخیزند. سال ۱۳۵۰
 سرآغاز این مبارزه است. سالی است که مبارزین ملت مبارزات مسلحانه جنگهای تودهای در
 روستا راننها راه نجات میدهند. ویتنام، فلسطین و آمریکای لاتین چنین راهی را قبل از انتخاب
 کردند. گروه میاهگل با دادن ۳۲ شهید، ۶ محکوم به اعدام و ده هبازندانی پیش
 آهنگ این راه بزرگ بود است. به موازات اوج گیری مبارزه و پیدایش گروههای مسلح رژیم پیش
 از پیش دست بد امان بیگانه شد است. دست سرمایه داران پیش از هر موقع در ایران باز است
 به تشویق و تضمین سرمایه گذارین، توسعه صنعتی، معدنی و کشاورزی ایران را به پیش
 سرمایه داری خواند موآنان را با خطر حفظ منافع کنونیشان به نگهداری رژیم کنونی تشویق میکند.
 باین حراج ثروتهای ملی کشور و بهره کشی از منابع انسانی چه نامی میشود داد؟ پیوند طبیعی
 کشورهای که دارای زمینهای مادی و فرهنگی مشابهی هستند مثل کشور ما و فلسطین باعث
 ایجاد زمینه های مشترک انقلابی میشود و برای همین است که رژیم ایران از تأثیر نهضت آزادی
 بخش ظفار و انقلاب فلسطین در سواحل و شیخ نشینها در مملکت ما میترسد و میکوشد بصورت
 پایگاهی مطمئن بر ضد این جنبشها به جامه زاندارم منطقهای درآید. در سیستان و فارس
 و در زابل حمامها و ماه و ماه تعطیل است. مردم بچه های شان را میفرستند. فقر و گرسنگی
 در حد و ۵۰ هزار نفر از سیستان را فرار داد است. میبینیم که بودجه دفاعی کشور ۳۴٪
 افزایش یافته است. (۳۳٪ بودجه دفاعی فعلی اضافه شد است) با ترویج فساد سرمایه
 داری غرب و اشاعه افکار لائیکالی گری از طریق انتشارات و مطبوعات کثیفی مانند زن روز اطلاعات
 هفتگی و ایجاد کاخهای جوانان که با نظا هر آراسته شان بجای بالابردن سطح دانش هرگزگی
 را رواج میدهد جوانان ما را از برداختن به مسائل اصلی و مبتلابه خود و جامعه خود باز میدارد.
 نصف برنامه های برادری و تلویزیون در باره روابط دختر و پسر است. بجای یاد گیری و عشق

بعد رك رارواج میدهند . روزی چند بین هزاره رك صادر میکنند . جهت ایجاد روحیه با مس
 واز خود باختگی ، خفتان شدید و شدت اعمال میکنند . ساواک میلیونها پول در اختیار دارد .
 برای دستگیری من . ه اتوصیل مراتب میگرد . برای دانشگاه گاد رسلح میگردد . در
 ادارجات هیچ کارندی بدون برگردن پرسش نامه های مرض وطویل ساواک استخدا همیشه
 و هزار مثال دیگر . هرکجا که بروم با ساواک سروکار دارم افسران در جدد اربازنشسته را
 رئیس حفاظت کارخانجات و ادارات و دانشگاهها میکنند . کارگروزی نه ساعت کار میکند و طالب
 به اعتراض باز کند کک و شکجه نصیص میشود . در شیراز شاهد مکالمه نماینده بازرسی شاهنشاهی
 با یک کارگر کارخانه سیمان پارس بودم . از کارگرسوال کردند خانه داری ؟ را و وتلوینسون
 داری ؟ گفتند ارم به زندان درود حواله اش کردند .

به پلیس و ساواک در رسیدن گروههای ما زمین اختیار تمام دادند . آقای ساقی رئیس زندان
 قزل قلعه میگوید همانطوریکه تا بحال گوسفند میکوشید با اینها رفتار کنید . کارگران جهان چیت
 که برای اضافه حقوق اعتصاب کرد بودند در کاروانسرا سنگی به سلسل بسته شدند و ۲۰ اگشته
 دادند . در ارد بیست اسال به دانشگاه آریامه و دانشگاه تهران وقتی استادان حمله
 کردند . ده نغرازد انشجویان را که مشغول بازی شطرنج بودند بدون هیچگونه مجوزی با ز
 داشت کردند و آنها هم متقابلاً " اعتصاب غذا " کردند . آیت اله طالقانی به زابل تبعید شد .
 محکومیت طول مدت در انتظار دارند گان کتب مضاد با منافع رژیم حاکم ایران است . رژیم
 چارهای جز شدت عمل ندارد . این نشانه احتضار اوست . ضمن سیاسی در ساواک و اطلا
 شهربانی با وحشیانهترین شکجه هارور میباشوند . طبق ماده ۱۳۱ هرگه از مأمورین قسم
 را برای گرفتن اقرار شکجه بد هد سئول است اگر شکجه بمرگ بیانجامد مأمور قاتل محسوب
 میشود . سوزاندن با اجاق برقی ، کشیدن ناخن ، شلاق سیمی ، استعمال بطری تجاوز و
 انواع دیگر شکجه هاز طریق معمول گرفتن اقرار در شکجه گاههای ساواک است . مسعود
 احد زاده در ماه در بیمارستان بستری بود . بیست با و طش کردند . به عباس خفاحی تجاوز

کردند . مسعود احمد زاده بانستک زنده‌عظیم، ریختن اسید چنان میسوخت که نهایت
 نداشت . عدای از هضمین شنوائی خود را از دست دادند . شدت ضربات به حنیف نژاد
 بقدری بود که استخوانهای پا، دست و مایع گوش او شکسته شد . بهرروز دهقانی زیر شکنجه
 شهید شد شما تحمل شنیدن اظهارات ما را ندانید ؟ ما از رژیم جزاین انتظار
 نداریم . بامید روزی که ملت خائنین را به دادگاه بکشاند . مرگ بر آمریکا و صیرالیسم .
 درود به مردانی که رنج انقلاب را تحمل کردند .

مسعود رجوی - دنباله آخرین دفاع

قبل از وارد شدن به حرفهای اصلی چند نکته است که باید تذکرید هم . اولاً مهندس لطفعلی
 بهبود استاد یار دانشگاه پهلوی برخلاف آنچه در کیفرخواست آمده است در رطسطنین در روز
 نهم نداشت . ایشان با پاسپورت معمولی چهارالی پنج روز برای ترجمه مذاکرات ماهه بیروت
 آمده اند . در بعضی از مذاکرات که سری بود من خودم ترجمه میکردم و ایشان حضور نداشتند
 مسئله راجع به اسلحه و انبار مهمات که در اجاره رسمی مهندس سیریزیان بود در حقیقت ارتباطی
 با او نداشت و متعلق بمن بود . من در این باره تقاضا کردم که ناصر صادقی و محمد حنیف نژاد
 برای شهادت به دادگاه آورده شوند که را که مانند در مورد ریون هواپیما و مجازات درخواست
 هیچ قانونی نیست چون من بعنوان يك دانشجوی حقوق میدانم که ماده عطف به ما سابق
 نمیشود . در مورد مهندس فروری باید بگویم که اولین بار است که ایشان را میبینم و نمیدانم ایشان
 چگونه به کیفرخواست ربط داده شده است . در مورد اسلحه و مسلسل قسمتی از گفته های
 مقام قضایی که بیشتر مرا عصبانی کرد راجع به دست تبلیغاتی بیرون رفتن از ورقتن آن بصورت
 اسلحه است . من از خارج کردم، مملکت را فروختم یا شما ؟ این هتلهای کاباره ها و کازینو
 مال کیست . اگر خودشان زنده پس پدرش زنده . باری شما بهتر میدانید . ناصر
 صادقی سوار موتور بود . من در جیره داشتم . این روزهایها راجه کسی سوار میشود . چه
 کسانی در بانکهای سویس پول رو بهم انباشته میکنند ؟ بعضی از مطبوعات حقایق را چاپ

میکنند. آنها را بخوانید. در مجله "نیشن" فتوکپیہ چکپاگشیدہ شدہ است. آقای رئیس کریستین در ریورس ایپاسهای چه کسانی را میزدند؟ برای ضیافت های شب از لاهه گل سفارش میدهند. مصرف کنیاک و شامپانی که از خارج برای وزارت خارجه سفارش داده میشود سر بک میزند. آقای دادستان میگوید در ادگاه علنی است. علنی یعنی اینکه وقتی در روزنامه گفته های آقای دادستان را چاپ میکند جوابهای مستعود رجوی را هم کنار آن چاپ پیرسانند. فقط کسانی حق ورود باین دادگاه دارند که اجازه مخصوص از سازمان امنیت داشته باشند. در روزنامه چیر نوشتند ما رویه اشتراکی داریم و وقتی که تذکره میم میگویند اشتباه لفظی بود. تازه همین دادگاه را هم بخاطر چشم و ابروی مانسکیل ندانند. اوج گرفتن جنبش خلق مجبور کرد. راد یو عراق اساسی ناراکت و حقوقدان فرانسوی تقاضای شرکت در دادگاه مارا کرد. الفتح اعلامیه مخصوص انتشار داد اعتراضهای گوناگون دیگری شد. پس منافعشان ایجاب میکرد است که همین دادگاه را هم برای ما بگه آرند. ما با گولہ معامله میکنیم همانطور که با فرسیو کردیم.

من هفده سال درس خواندم و مانند از خودم مطالعه کردم و میدانم که تقاضای ما قانونی است. در کفرخواست آمد است ما شین پائی که آنجا بود است مرد است. کو اسمش؟ کیو مدعی خصوصیش؟ کومحل اقامت او؟ میگویند ه میلیون تومان از بانک پول گرفته شد است این یک آنها است و اگر دادگاه علنی میشود میبایست محمد حنیف نژاد واضربد بیخ زانگان صحبت میکردند. چرا حنیف نژاد بنیان گذار گروه اینجانب است. من که حرف میزنم میخواهم حرف شنوند داشته باشد. مکرر صحبت برادران ما را قطع میکنند. ما از رژیم بیش از اینها انتظار نداریم. حالا وارد اصل مطلب میشود.

در دوره رضاشاه اوایل دوره دیکتاتوری یکی از بده های مهم خشک شدن ریشه رجال واقعی مؤمن مبین پرست است. در جنگ سلاح دارای اهمیت زیاد است ولی انسان بهمتر است. رجال واقعی رژیم یا جذب کرد یا عوض کردند. خرد نشان و آنها را از کار کارگه اشتند.

من و دوستانم از فرزند آن دکتر صدق هستیم که به پول و مقام پشت پا زدیم . ولی سستنیو فی المسالکهای هم بودند که مثل نیکخواه خرید شدند . اینها بعنوان نصیحت باگفتند که ما ناچانه درگ هستیم مواظب باشید تا فرقی سرتان درگ نرود . اینها نیکه تا فرقی سر و چانه درگ رفتند بعداً خیلی تأسف خوردند که از طرف مردم دست رد به سینه هاشان خورد آقای دادستان اگر دشمن نخواهد میتواند گوش نکند ولی بداند که ایشان مأور هستند ولی معذور نیستند . مواظب باشید فرد اوضاعتان از این هم بدتر نشود . هیچکس پشت سپهبد آزموه و صلوات نفرستاد .

(دادستان اعتراض کرد و گفت از باطن و ظاهر من حرفی نزنید)

..... رژیم اجباراً برای ادامه حیات لباس عوض کرد . اصلاحات ارضی و دادن سهام کارخانجات بعنوان پشتوانه به قلوب آنها ایشان را بیش از پیش تنعم کرد . فساد در رواق با اینکار میخواستند بوزو و بازی درآرند . بعد از کودتای ۲۸ مرداد ، بوزو و بازی بعد روز بود . کارخانه و کارگران ورشکست شدند . سرمایه مربوط به جهان سوم میدان تاخست و تاز سرمایه داری کشورهای بزرگ شد . گسترش فساد اداری ، رشوه خواری و بدبختی مردم از طرف هیأت حاکمه اعمال میشود ، احتیاج به توضیح بیشتر ندارد . زانیه ها و حصر آباد تهران را ببینید . جوانیه و نازی آباد را ببینید . مردم فقیر اگر بیمار شوند مجبورند و محکومند پشت در بیمارستان جان بسپارند .

طبق گزارش روزنامه اطلاعات که ارگان بازگوکننده خدمات محمود بهاست پشت سالن انتظار به بیمارانی برخورد کرد که پنج روزه انتظار پزشک مانده بودند . بیمارانی بدبختی را دیدند که مقابل بیمارستانهای سینا ، امیرالمؤمنین و روه پله ها ، کارگاهها با انتظار نشسته بودند . در معالجه شان شتابی به چشم نمیخورد . مردی سرطانی روزها را انتظار اشعه ایکس پشت در میماند . این گفته روزنامه ایست که سرسپردگانش از فرمانبرداری او کرک صفت رژیم هستند . در روستاها استثمار دولتی جای استثمار مالک شده است . انبوه خوش تشنه ها

چیزی بجز فرض‌هایشان ندارند که از دست‌به‌دست‌هاست . همین‌هاست که آمدگی انقلابی بوجود می‌آورد . روستائیان و زمینداران بدتر و بدتر می‌شوند . تنها راه مبارزه راه انقلاب مسلحانه بود . مای باقی می‌ماند .

دستان صحبت را قطع میکند : " چون دادگاه علنی است از اختیارات قانونی خود سو^د استفاده نمی‌کند . مطالب را تحریف و مفه^دم‌سازی می‌کند ."

رجوی - آقا دادگاه رئیس دارد . مگر نوبت شماست که حرف بزنید . دفاعیات ماهمه در رفع اتهامات مذکوره است . بقول خودتان جلسه هاعلنی است مگر ما حرف شما فی اخلاق زدیم؟ دادستان - اگر ادامه دهید تقاضای سرپیچیدن دادگاه را خواهم کرد .

متن آخرین دفاع محمد بازرگانی

رئیس دادگاه :

شهرت‌یاف محمد بازرگانی . بنام آخرین دفاع با توجه به نزاکت دادگاه می‌توانید مطالب خود را بیان کنید .

محمد بازرگانی : آنچه متهم اول اظهار داشت مورد تأیید بنده است .

ساظهارات متهم اول را کنار بگذارید . اگر مطلب تازه‌ای دارید بگوئید .

- اظهارات دادستان را تحمل کردیم و شما هم به حرفهای ما گوش کنید . ما خود را به عراق نفروخته‌ایم . آقای دادستان بقول پرشت :

" آنکس که حقیقت را نمی‌داند نادان است ولی آنکس که حقیقت را می‌داند و می‌پوشاند تبهکار است ." آقای دادستان شما گام^د اعتراض هستید . من شما حق می‌دهم که بازجو^در کشید^د ما موقعیت خود را استحکم کنید . به ستاره هائیکه به شانفتان زد ما به نگاه کنید . از خون جوانان وطن رنگ گرفته است . در مورد بعضی از اتهامات وارد در رکب^د درخواست چون آقای ناصر صادقی

بعضی از آنها اشاره کرد بخاطر تنگی وقت توضیح بیشتری ندمد هم . در مورد بهترین اتهام ناروایی که مقام امنیتی به ما وارد کرد ماست یعنی تمسیناس یا عراق حرفهای دارم که میزنم . تماس ما با خارج درد و جبهه صورت گرفته است . یکی تطاریا سازمان فلسطین که چون سازمان ضد امپریالیستی است و به خاطر تجارب انقلابی میتواند موثر واقع شود ؛ به منظور گذاردن تعلیمات پارتنیزانی مورد استفاده قرار گرفته است . و دیگر در مورد سازمان کشف راسیون* که پیوندیست بر علیه دشمن واحد . اتهام رابطه با عراق نیز نیت سیاسی است ما با دولت عراق هیچ تماسی نداشته ایم و هیچوجه تعهد سپردن و قول همکاری دادن در کار نبوده است . برادران ما بعد از نشانیدن هواپیما در عراق مورد سوژن قرار گرفتند و بعد از فرود اجباری فقط مدت کوتاهی در آنجا توقف کردند و سپس به پایگاه الفتح در لبنان رفتند . در کيفر خوشت معلوم نیست که اگر ما تعهد داد ایم در عوض چه امتیازی گرفته ایم . مگر به ما اسلحه دادند ؟ پول دادند ؟ تعلیمات دادند ؟ کد لپک ؟ ما بعلمت ندانستن رابطه حتی از مذاکرات عراق عبور نکردیم بلکه در روزیم . میتوانستیم از

* منظور پیوند معنوی است که کشف راسیون را بمثابة بخشی از جنبش خلق به کل رزندگان خلق ارتباط میدهد . طبیعی است که کشف راسیون بعلمت اینکه سازمانی بوده ای بوده و فعالیت آن شکل علنی دارد هیچگونه رابطه تشکیلاتی با عناصر و سازمانهای مبارز درون کشور نمیتواند داشته باشد . کشف راسیون جهانی از طریق بسیج و تشکل کردن توده های دانشجویی خارج از کشور برای مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و دفاع از حقوق پامال شده مردم و جازین ایران و نیز با انعکاس اخبار مبارزات و همچنین پیگرد جازین درون کشور ، پیوند معنوی خود را با جنبش درون



مزد ایران وارد عراق شویم ولی ایران و دوی، بیروت و عمان را در ورزیم که از خاک عراق عبور نکرده باشیم - در کیفیت خواست صحبت از گرفتن کمک شده است. ما نه از عراق ونه از هیچ منبع دیگری کمک دریافت نکردیم - هیچ سندی در این باره به دادگاه داد نشده است. من در عمان بودم و کلمه سلاحها و مهمات را از قبا قچیان خریداری میکردم و احتمالا جیبی به کمک عراق نبود ما این تلاش مذبحوحانه را بمنظور درهم کوییدن اتحاد خلق ایران میدانیم. در کیفیت خواست آمده که ما از بازارها پول گرفته ایم و با آن اسلحه خریدیم. همانطوریکه برادر من ناصر صادق توضیح داد پول اسلحه اکثرا توسط کمیته مرکزی تامین شده بود. ماهی سه هزار تومان بود چه در این کار بوده است. این پولها بوسیله بدیع زادگان، مهندس سماکری و مهندس صادق و محمد حنیف نژاد تهیه میشد. حنیف نژاد چون دوستانی را در بازار داشت که بریاک بودن او واقف بودند و میدانستند که این پولها

کشور حفظ و تحکیم میکند و در واقع این تنها راه ارتباط میان سازمان ما و جنبش دین کشور است.

این رزندگان داخل کشور حتی در بیدادگاههای رژیم نیز باین پیوند معنوی رزندگان کشف راسیون با جنبش خلق اشاره میکنند - بمعنی ابراز همبستگی شان با کشف راسیون بوده و باعث افتخار کلیه اعضا و هواداران سازمان ماست.

این امر ما را در انجام وظایف میهنی خود مصمم تر و متعهد تر میگرداند. (توضیح فوق از طرف هیات دبیران کشف راسیون است.)

را صرف مبارزه میکند و قبولش داشتند اگر پول میخواست در اختیارش میدادند. مسئله پول در کيفرخواست زیاد بزرگ شده در حالیکه فقط پنج هزار تومان صرف خرید اسلحه شده است. در مورد مقدار اسلحه و مهمات هم اغراق شده. مثلاً گفته اند که ما پانصد نارنجک داشتیم در حالیکه ۹ نارنجک بیشتر نداشتیم. گفتند بدیع زادگان چهار مسلسل و چهار اسلحه کمری با خود آورده بود. منگه ندیدم. در مورد مطالب دیگر کيفرخواست توضیح ندهم.

ما و تپ هاشی نظیر ما وقتی در چنین دادگاهی قرار میگیرند معمولاً در نوع میتوانیم از خود دفاع کنیم، دفاع حقوقی یا دفاع علت و معلول یعنی دفاع ایدئولوژیک. در بازجویی خواستند بگوئیم چه عاملی باعث شده ما اینجا کشانیده شده ایم. ما پاکترین جوانهای این ملت هستیم. میگویند شما که میتوانید صاحب مقام و منصب شوید مرفه بمانید چرا میخواهید تا آخر عمر در زندان بپوشید. یا مقابل جوخه آتش قرار بگیرید؟ روشن شدن این مطلب میتواند برای دادستان مفید باشد. دادگاه واقعی از نظر ما دادگاه عدل الهی است.

دادگاه عشق به اعدام محکوم کرد. دادرس دیگر مرا قریباً نمانون مکن وقتی تاریخ ایران را ورق بزنیم هیچ دوره ای را نمیتوان یافت که خلق ما برای گرفتن حق خود در مقابل حکومت استعمار ساکت نشسته باشد. یکسال پیش قریب پانزده نفر را به محاکمه کشانند و زندان محکوم کردند. امروز نوبت ماست که بعنوان توطئه کودتا محاکمه میشویم. توطئه گراصلی ما هستیم یا آنکسانیکه ما را به محاکمه کشیده اند. سه ماه گذشته فعالیتهای انقلابی شامل انفجار و کشتار و شهادت انقلابی بوده است. سال گذشته ۳۰۰ نفر از افراد سهاگل اعدام شدند. معلمین، شرکت و اجهد انشگاه اعتصاب کردند. این تازه آغاز کار است. هیچ توطئه موفق به فرونشاندن کامل شعله های آزادی خواهی نشده است. با گفتن این مسائل باید توضیح بدیم که چرا اینطور است. چرا تاریخ معاصر با خون

جوانان میگویند میشود. چرا گروههای مهاجم پیوسته رشد میکنند؟ چرا این فرزندان هلاقی در کارهای خلق هستند. اینها اگر بخوانند بتول خودتان از همه چیز برخوردار

میشود ولی چرا اینطوری باکانه روانه زندان میشوند و در محاکمه در مقابل جوغسته
اتش قرار میگیرند. علم الاجتماع انقلابی به همه این سئوالات جواب میدهد. زیرا این
علم الاجتماع در صد یافتن علت و معلول است. من انطوری که از حرفهای آقای دادستان
استطاعت کردم نمیخواهند مسائل را بشکافند و علت اصلی را پیدا کنند. بهما اتهام توطئه
میزنند و تقاضای اعدام میکنند. او از خودش نمیرسد که این جوانان چرا به این راه کشیده
شدند و آیا این من هستیم که حق داریم تقاضای اعدام کم؟ علم الاجتماع انقلابی توانسته
است بر بنیای تشخیص علت موجب معلول است. به این سؤال جواب میدهد. جامعه -
شناسی انقلابی میگوید زیربنای هر جامعه اگر جامعه استشاری باشد قطعاً مبنی بر استئفا
طبقه زحمت کش است. اگر رابطه رابطه استثمار بردگی باشد طبقه زحمتکش برده هاست
والاخره بنا بر این تنها رابطه تعیین کننده در یک جامعه اوضاع اقتصادی آن جامعه
است. اقتصاد و روابط اقتصادی رل عده را دارد. در حال حاضر روابط اسپرالیستی و
سرمایه داری برجبان حکمفرماست. مواد اولیه از کشورهای استعمار شوند. خارج و با سود
سود فراوان بخود کشور باز گرداند و میشود. صد ها میلیارد دلار خرج صنایع نظامی -
و جنگی میشود. محترمین امتیاز انسان بر حیوان اینست که انسان با کارش در نهای خارج را
تخمیر میدهد و با این تخمیر صفات انسانی او نیز تخمیر مییابد و حاصل آن حفظ بقا و تکامل
خود و جامعه است. اگر جامعه طوری باشند که یک عده کار کنند و یک عده دیگر از دست
رنج آنها استفاده کنند جامعه به هیچ جا نمیرسد. بهره کشی انسان از انسان خیانت -
به سرنوشت بشریت است. واقعیات عینی و شکل استثمار در تاریخ متفاوت بود ماست ولی -
ماهیت آن تخمیر نکرده است. بهره کشی ارباب از رعیت و سرمایه دار از کارگر فقط اسامی -
سیستم را عوض میکند. در قرآن آمده است " نه بحق بهیگران تجاوز کنید نه بپند بپند گسه
به حق شما تجاوز شود." شبکه هر مرض و طولی بانکها که اساسان بر ریا خواری است و هزار
فامیل مثل فرمانفرمایان، علم و القانیهان تمام صنایع جامعه را بخود اختصاص داده است.

و تمام ثروت خود انباشته است. این موسسات انتفاعی چاره ندارند جز اینکه بهره بیشتری ببرند و با تعطیل شوند و این پولها در کارخانه ها پشت میز و قفس و اماکن دیگر خرج میشوند .

از همین جاست که مجالس فرمایشی و قلابی تاسیس میشوند و از فرهنگ و هنر نیک پوسته نوردی خالی چیز دیگر باقی نمیماند . کتب گمراه و توجیه کننده و اعمال خائنینی چون مصباح زاده و سعید بها هستند که با انتشاراتی چون زن روز و توفیق باعث رواج فساد میشوند .

خلاصه اینکه در جامعه معایب زهرینای آن انتشار است . رونا که متاثر آنست نیز انتشار است . مذهب آلت دست برای رسیدن به مقاصد هیئت حاکماست . هیئت حاکمه از مذهب —

بعضوان وسیله تحکیم سیستم اقتصادی خود استفاده میکند . اگر به بررسی بهر از جمله زحمت ملی علمی همین نتایج گرفته میشود . جنبش ده اثبات این مدعاست . از آنجا که میدانیم بهترین پناهگاه برای انقلابیون روستاهاست . روستاییان را داخل شهر متمرکز میکنند . طرح دوم کشت و صنعت با اینهمه سلام و صلوات و تبلیغات برای توسعه کشاورزی ریخته شده بود . این در واقع برای فروختن زمین به قیمت ارزان به مالکین بزرگ و اقطاعی خاص — آمریکاییهاست . در اطراف رضائیه دهکده آبادی بود که اکنون چهار خانوادها دارد .

زمینهای زیر سد در خوزستان را در اختیار ایران — کالیفرنیا شل و شرکت امپ اچ گذاشته اند . در سال گذشته هاشم نراقی فنیک نوع سهی طیونها تومان سود برده است و سهم دولت یک درصد ا جاره بها و دو درصد مالیات بوده است . سد در که به آوارگی ده ای از هموطنان مانع شده است یک میلیون و نیم برای کسبه ملت خرج برده شده است .

دیگر طرح عنوان عمران قرزین مجیرفت که کله که به ظاهر برای بالا بردن سطح تولید و در واقع تاراج ایران بدست اسرائیل است . کارشناسان اسرائیلی ماهانه ۳ هزار تومان — میگردند — اینها وطن خلق را میفروشند یا ما ؟ اینها خیانت میکنند یا ما ؟ تفاوت با مردم ایران است . مردم زیر فشار اقتصادی قرار دارند . چرا مردم نباید در مقابل امپریالیسم

قدرت ابتکار را بدست بگیرند و چنانچه قادر به جلوگیری از اجرای طرح موجود باشند، در قرآن آیه ای آمده که میگوید " شمارا چه میشود که در راه خدا، زنان و کودکان در مانده برنمیخیزید " تاریخ نشان میدهد که از گاو آهنگرتا کارگران چیت سازی ری خلق بر اثر ازدیاد هوشیاری سیاسی راه خود را بهتر شناخته و سوی انقلاب پیش میرود کما اینکه هم اکنون عدای سلاح بدست گرفته اند . به خلیل سلطانی نواز کارگران انقلابی درود میفرستیم . از این پس میان خلق و رژیم جز در پاشی از هول هیچ وجهی نخواهد داشت . در آخرین روزهای سال گذشته سیزده نفر اعدام شدند . با تاجرب تاریخی . ۵ سال اخیر هیچ راهی جز مبارزه مسلحانه بقصد نمرسد . ملت از راه تجربه آموزی شیوه های مختلف بدست آورده . پس از گذشت ۶۵ سال از انقلاب مشروطه . چه راهی به جز در دست گرفتن اسلحه باقی میماند . هر سلاحی انقلابی است که با اختشاش جدید کمک میکند . بی تردید خلق صرفاً به ندای خطیبانی گوش میدهند که کلاهشان سر بی است . جنگ چریکی شده است . این جنگ در شهرها با تحرك کافی ادامه دارد . و ایجاد پایگاه سیاسی خواهد کرد . جلوگیری از تلفات بیهوده ، است . انفجار تجویز صحیحی است . تا آنکه دشمن نابود ناپود باد



PIERO NINCHERÌ

www.mt.ir

Fucilati in Iran cinque patrioti



از انتشارات کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

خردادماه ۱۳۵۱